



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روزنامه جامع علوم انسانی

انزوا جویی کودکان

معرفی انزوا

می شود گاهی چنان در عزلت قرار می گیرد که
کوئی از خود بیگانه است .

اما اینکه انزوا چیست پاسخ این است که انزوا
یک حالت عصبی و یا یک اختلال عصبی است که
در مواردی هم می تواند دارای جنبه روانی باشد
که فرد بعنوان رفتاری سازگارانه برای خود

از ابتلاآت مهمی که دامنگیر بسیاری از
خانواده‌ها و کودکان است بیماری انزوا و عزلت
است که در مواردی می تواند از امراض کشنده و
موجد خطر باشد. فردی که دچار حالت انزوا

گاهی برای شان این احساس پدید می آید که مظلومند و ناکام ، دیگران به آنها ستم کرده‌اند و یا گمان دارند دررنج و دشواری عظیمی قرار دارند و کسی را دل به حال آنها نمی سوزد . دوست ندارند با دیگران زندگی کنند زیرا گمان شان این است دیگران مورد اعتماد نیستند و یا درباره آنها کمک لازم را مرعی نمی دارند .

برخی از آنان منزوی هستند بدان خاطرکه نسبت به دیگران احساس برتری دارند و گمان شان این است که آنها درخور معاشرت نیستند . زمانی خود را بافتسه ای جدای از دیگران دانسته و خیال می کنند فردی بسیار مهم و باارزشند و ارتباط شان با دیگران برای شان شرمی آفریند .

وضع درونی آنها

روابط فکری شان سست ، تخیل شان سریع دیدشان نسبت به دیگران منفی و نسبت به زندگی همراه با بدبینی است . در تصورشان این است که قادر به دفاع از خود نیستند و هراسی ناشیانه دمار از روزگارشان برمی آورد . احساس می کنند از زندگی به ستوه آمده‌اند و زندگی ارزش آن را ندارد که برای آن کوشش و تلاشی صورت گیرد . برخی از آنان درحال گریز از خود و درتمنای مرگند و میل به خودکشی درآنان زیاد و البته درکودکان قبل از سن ۱۲ بسیار اندک است .

خود را به خیال و دنیای آن مشغول می دارند . بردهای به دور خود کشیده سعی دارند از آنچه در درون دارند چیزی را به بیرون نریزند . دوست دارند به فردی متکی

برمی گیرند . بیمار برای اینکه مشکل خودرا حل کند و یا لافاقل تسکینی برای خود بیابد بدین امر تن در می دهد . چنین افرادی بحقیقت به نوعی اراستعقای زندگی دست زده اند و کوشیده‌اند که از مشکل بگریزند .

نشانه های کودکان منزوی

اینان که به اقتضای سن خود باید دائما " درجنب و جوش و درشادی و نشاط باشند افرادی می شوند ساکت و ساکن ، دائما " غمگین و خجل و نگران . از معاشرت و ارتباط با جمع وحشت دارند . تحرک شان بسیار اندک است . همیشه درگوشه ای کز کرده و چشم به آسمان دوخته‌اند .

اینان دچار عدم تمرکز حواسند و چنان زندگی می کنند که گویی در معرض حمله و اعتراضند . به کسی اعتماد ندارند تصورشان این است که اگر دچار تنگنایی شوند کسی به آنان کمک نخواهد کرد . اشتباهی شان اندک و اغلب ضعیف و زارو نزارند . وضع خسواب و استراحتشان مختل و درخواب دچار کابوس هاو خوابهای وحشتناک هستند . وضع بد غذا و استراحتشان موجب کاهش وزن است و عدم تلاش شان در امر تحصیل اغلب سبب عقب - ماندگی و اماندگی است .

احساس آنها

احساس آنها در زندگی و درروابط با دیگران احساس ضعف است و ناتوانی ، در رابطه با خود احساس بی ارزشی دارند و دررابطه با دنیا احساس پوچی . دائما " دلسردنند و همه گناه ار شکست خود ، ازبی اعتباری دنیا ، از نامرادی درامور بحث می کنند .



نیز این حالت بیش یا کم دیده می شود و این خود نوعی سازش روانی ، گریز از جدال، تا مین فرصت برای حل مشکل و گاهی جنبه نفع طلبی و مصلحت جوئی دارد .
درجه کسانی بیشتر است

انزوا در کودکانی بیشتر است که دائماً بیمار بوده و در گوشه‌های افتاده بوده‌اند. همه ایام عمرشان به فاصله هائی اندک در بستر بیماری گذشته و از جمع و ارتباط با آنها دور بوده‌اند. هم چنین افرادی بعلت اینکه از محبت افراطی برخوردار بوده و لوس و نر شده‌اند بعدها بر اثر از دست دادن فرد محبوب خود سر از انزوا در آورده‌اند .

همچنین افراد تند خو ، عصبی مزاج سرخورده ها از روابط اجتماعی ، کودکان خجول و شدیداً با حياء افراد پریشانحال و مضطرب در این زمینه گرفتاری بیشتری دارند وضع بهمین گونه است در باره افرادی که در



باشند و البته کسی که بتواند با آنان نزدیک و همدل و همنوای شان باشد ، آنچه که می‌گویند مورد نأیید قرار دهد . تکرار طلبی در آنان قوی است و در خیال خود مساءله‌ای را مکرراً ذکر کرده و آن را بخاطر می آورند ، خواه مساءله‌ای لذتبخش باشد و یا نکته‌ای درد آفرین .

رفتار آنان

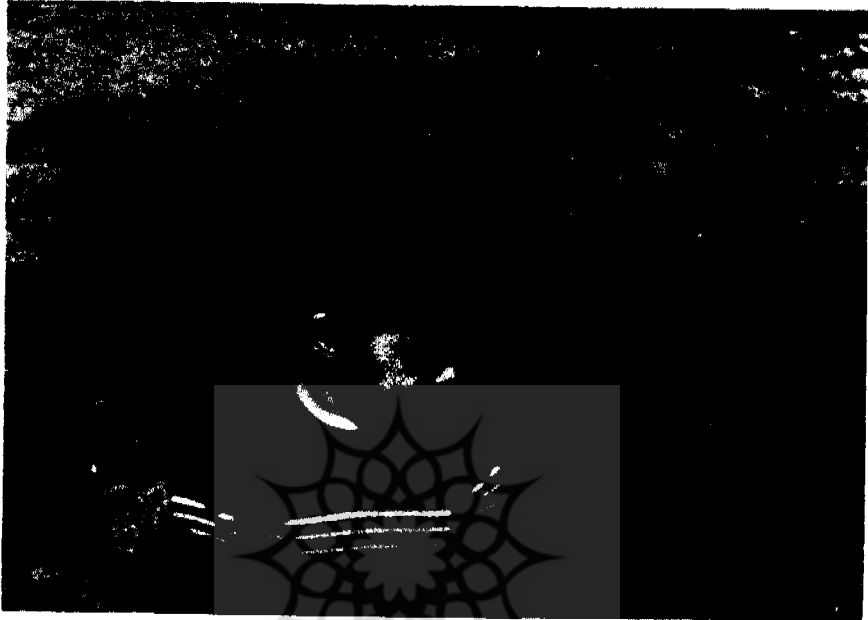
افراد منزوی اهل جنب و جوش و حرکت و بازی نیستند . دوست ندارند در میان جمع باشند ، حتی در حیاط مدرسه در گوشه‌ای نشسته و تماشاچی هستند . از مهمانی رفتن و مهمانی دادن گریزانند و نمی توانند بپذیرند که باید در جمع بود ، مگر بخاطر ملاحظات که در آن صورت دقایق زندگی او در میان جمع برای او عذاب آور است . بسیاری از اینان در روابط خود خون سردولی در حین درگیری بسیار ناسازگارند . شور و شوق لازم را برای حیات جمعی ندارند . همانند کسی هستند که از زندگی با دیگران به ستوه آمده و نمی تواند با جمع بجوشد .

رفتارشان در جمع رفتاری ناشیانه است آنچنان که گوئی از حضور بین دیگران خجالت می کشند و حتی بنظر دیگران چنان می آید که آنان افرادی کودن و نا آشنا به مسائل زندگی و به دور از مهارت در امورند . بخود فرو رفتگی و بلا تصمیمی در امور درموردی می تواند عامل و یازمینه ساز انحراف برای آنان باشد .

برخوردها شان با دیگران بگونه‌ای است که گوئی از دیدارشان هراسناکو یا فوق العاده به آنها بی اعتنا هستند و البته در کودکان نیز هوش

عضوی که موجب شرمساری گردد ، خود پرستی
و خود خواهی و کبر ، بگونه‌ای که دیگران را
داخل آدم بحساب نیاورد ، غلبه احساس
حقارتی عمیق بوجود او ، ضعف تحصیلی و

باره شان غلو شده و بعداً " از شرکت در جمع
بدان علت وازده شده‌اند که آنچنان که
بنظرشان درخور احترام بوده‌اند مورد احترام
قرار نگرفته اند .



علل انزوا

عدم پذیرش درخانه ، مدرسه و یادرمیان جمع
وجود حسادت و یا کینه‌ای ریشه دار در کودک
وجود ترس و احساس ناامنی بسیار از جهات
مختلف ، وجود پاره‌ای از بیماریهای ناشی از
عدم تعادل ترشح برخی از غده های درون ریز
چون غده تیروئید ، ناراحتی از زندگی و از
جریانات خانواده و بخصوص درگیری والدین
و وضع ناسامان آنها در برخوردها و
دعواها و
عوارض انزواجوئی

درضمن بررسی مواردی که تا حال ذکر شده
اجمالی از علل انزوا بدست آمد و اینک مواردی
دیگر به این زمینه افزوده می شود : از علل
عمده انزوا مخصوصاً " در کودکان عبارتند از :

غلبه و سلطه غم و اندوه بر آنان بعلت
فقدان عزیزی از آنها ، تنگدستی و فقر خانواده
مخصوصاً " برای کودکان تیز هوش ، غلبه اضطراب
و پریشان حالی بر افراد بگونه‌ای که حال و توان کار
را از آنان گرفته باشد ، احساس گناه غیر قابل
جبران و یا فوق العاده شرم آور برای برخی از
آنان ، ضعف جسمی و مخصوصاً " نقص و نارسائی

انزوا جوئی برای افراد و حتی کودکان
عوارضی دارد که اهم آنها عبارتند از :



نادرست و نارواست و کودکان، از ما مطالبات و حقوقی دارند که ادای آنها وظیفه است

۳ - تصمیم گیری به درمان و اصلاح که آن هم ضرورت است و هم یک وظیفه انسانی و اسلامی آنچه مادر این بحث مورد توصیه قرار می دهد این است که در این امر تسریع به عمل آید زیرا ماندن کودک در چنین وضع و حالتی زمیندرا برای بروز بسیاری از مخاطرات فراهم می آورد. انزوا اگر در افراد تثبیت شود شر آفرین خواهد شد و کار به جایی کشیده می شود که بعدا حتی امکان باز سازی آنان نیز از دست خواهد رفت.

در طریق درمان

برای درمان چنین افراد راههای متعددی است که والدین و مربیان به تناسب باید یکی از آنها را برگزینند، وای بسا کسده برخی از راهها باید باشیوه ها و طرق دیگر آمیخته و همراه شوند تا اثرات سودمندتری داشته باشند. اما اهم شیوه های درمانی بدین قرارند:

- ۱ - تشویق ها به حضور در جمع و سخن گوئی با افراد گوناگون
- ۲ - واداشتن دیگران به سخن گوئی با او و به حرف آوردنش.
- ۳ - زمینه سازی برای محبت و انس و تفاهم و شور و شوق در محیط خانواده
- ۴ - آوردن مهمان از خویشان و بستگان به خانه و یا رفتن به مهمانی بهمراهی او.
- ۵ - بازی والدین با کودک بگونه ای که در خود شوری و جراتی بیاید.
- ۶ - زمینه سازی برای گردش و تفریح و بیک نیک با افراد ماءنوس مخصوصا " از خویشاوندان.
- ۷ - ترتیب گردش علمی توسط مدرسه و اولیا

اختلال در استهیا، بی نظمی در گوارش دردشکم، لاغری ناگهانی، و در مواردی نفخ بیوست و که هریک از آنها موجد عوارض دیگری است. مثلا " بیوست خود عامل بدبینی ناراحتی عاطفی و حتی زمینه سازغم است.

انزوا جوئی همچنین موجد عقده حقارت ضعف تخیل، ایجاد تغییر در خلق، از دست رفتن استعدادها، تیرگی شعور، کندی پیشرفت و حتی عدم استفاده از امکانات است و ایین خطری است که کودک را در مخمصه و نگرانی قرار می دهد.

البته انزوا جوئی در مواردی، برای افرادی خاص می تواند مفید باشد از آن بابت که زمینه ساز رشد و پیشرفت است. افسرداد در تنهایی می توانند خود را کنترل کنند، از اوقات خود به وجهی نیکو استفاده نمایند. آنچه رعایت آن مهم است این است که اگر انزوا جوئی حاکی از مشکلات روانی باشد ممکن است برای افراد صدمه بیافریند.

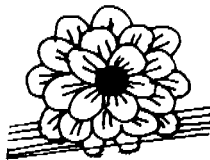
تصمیم ها در باره آنان

اینکه در باره کودکان منزوی چه تصمیمی باید اتخاذ شود خود مسأله ای در خور عنایت است:

- ۱ - ممکن است بخواهند او را در همان حال نگهدارند که در چنان صورتی نه تنها درمان نخواهد شد بلکه امکان توسعه آن وجود داشته و سرانجامی نامیمون را ببار خواهد آورد.
- ۲ - رها کردن او بخود که بالاخره طوری خواهد شد که از نظر عقلی ایین شیوه هم



کردن ها، احساس گناه در امری خاص که باید از راه توبه جبران گردد و
 درکل توصیه می شود که اگر کودک سر از انزوا درآورده و درگوشه ای کز کرده است والدین باید با او بجوشند و با ایجاد شوروشوق و نشاط درزندگی او را به میان معرکه بکشند و با او گرم گیرند. خطـربزرگی است که این حالت درکودک مزمن گردد که در آنصورت بغير از تحمل عوارض آن امکان باز سازی امری قریب به محال خواهد بود .



دکتر علی قائمی

آن

- ۸ - دادن مسئولیت به کودک، بویژه مسئولیتی که در آن حسابرسی باشد.
- ۹ - ایجاد تنوع و جاذبه ها در محیط زندگی بگونه ای که شوق برانگیز و حرکت آفرین باشد .
- ۱۰ - قرار دادن دوستی با جرات و خوش مشرب در سرراه او .
- ۱۱ - تغییر محیط زندگی و حتی کوچ کردن به مناطقی دیگر و آغاز انس با افرادی جدید
- ۱۲ - روان درمانی به صورت مشاوره، پند نصیحت و آگاه کردن فرد از وضع خود .
- ۱۳ - استفاده از شیوه دارو درمانی برای آنهایی که انزواجوئی شان دارای ریشه افسردگی است .
- ۱۴ - از بین بردن عواملی که زمینه ساز انزوا جوئی شده است مثل تحقیرها، شرمسار